



کتاب کمیونست کارگری - حکمتیست

۱۱ شهریور ۱۳۹۰

۲ سپتامبر ۲۰۱۱

خالد حاج محمدی

"باید متحد شویم"

در حاشیه سخنان خامنه ای

خامنه ای روز چهارشنبه دهم شهریور در سخنرانی دانشگاه تهران خود به مناسبت "عید فطر"، همه را به اتحاد و همدلی به عنوان نیازهای امروز کشور دعوت کرد. تم اصلی بحث خامنه ای انتخابات و شرایط حساس منطقه ای، و ابراز نگرانی از افزایش انشقاق و دسته بندیها در جریان انتخابات و اهمیت اتحاد و همدلی بود.

پیام خامنه ای در حقیقت تلاش برای ایفای نقش همیشگی خود و توجیه همه جناحهای جمهوری اسلامی به خدشه دار نشدن آن در دل اختلافات حفظ وحدت حل نظام بود. اختلافات واقعی میان جناحهای جمهوری اسلامی بر سر راه حلهای مختلف هر کدام در جواب به نیازهای سرمایه و نقش و سهم هر جناح از قدرت و پول و ثروت آن جامعه، در دل جدال انتخابات شدت یافته است. تلاش برای ایفای سهم بیشتر این جناحها در مجلس آتی و افزایش امکان دخالت هر جناح در آینده، و تلاش هر جناح برای بسیج نیرو، بسیاری از اختلافات قدیم و جدید را بر جسته کرده است و همین خامنه ای را وادار کرده است تا به عنوان شخص اول مملکت هم به نیروهای افسار گسیخته طرفدار خود و هم به بقیه هشدار دهد. نگرانی از لطمه خوردن اقتدار جمهوری اسلامی در دل این جدالها و شل شدن

آذر مدرسی

زیر پرچم

ظفر مندان ناتو



تحرك انقلابی مردم لیبی علیه دولت قذافی و استبداد حاکم بر زندگیشان بر خلاف انقلاب مصر و تونس مسیر دیگری را طی کرد. جنبشی که متأثر از انقلاب مصر و تونس میرفت تا رژیم مستبد قذافی را سرنگون کند با دخالت نظامی دولتهای غربی عقیم شد. مردمی که برای سرنگون کردن یکی از مستبدترین دول قرن به خیابانها آمده بودند و اعلام میکردند تا رفتن قذافی از پای نمی نشینند، هم توسط دستگاه کشتار قذافی و هم از طرف جنگنده های ناتو به خون کشیده شدند.

اسد گلچینی

مبارزه موفق

کارگران نفت برای

افزایش دستمزد



در دو هفته گذشته کارگران نفت اعتراض گسترده ای به عدم افزایش حقوق هایشان در سال ۹۰ داشتند. با وجود گذشت ۶ ماه این مساله همچنان در ابهام است که کارکنان جدید استخدام و بازنشستگان که بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر هستند چه مقدار افزایش حقوق برای سال ۹۰ خواهند داشت. اعتراض اخیر این مساله را تا حدود زیادی قطعی کرد. این مساله در ۶ ماه گذشته موضوع مهمی

کارگران جهان متحد شوید!

دخالت نظامی ناتو در لیبی، بمباران مردم بیگناه به نام دفاع از مردم و با وعده آزادی و آسایش، نقطه شروع تغییر مسیر تحركات اعتراضی مردم در لیبی بود. جنگ ناتو علیه قذافی نه فقط ربطی به تحرك انقلابی مردم لیبی علیه قذافی و دستگاه کشتار و سرکوب او نداشت، که دقیقاً علیه این تحرك، علیه خواستهای انقلابی مردم لیبی، برای خفه کردن انقلاب مردم و برای اهداف ارتجاعی دولتهای غربی بود. دولت حاکم و مستبد لیبی و در راس آن قذافی برخلاف مصر و تونس نه به نیروی انقلابی مردم که با دخالت نظامی ناتو خلع ید شد. همین علامت سوال بزرگی را مقابل آینده لیبی، آزادی و آسایش مردم لیبی قرار داده است.

دول غربی در کنار حمله نظامی در تلاش جدالهای امروز در "شورای ملی انتقالی"، شاخ و شانه کشیدن نیروهای

برای این کارگران و کلا همه کارکنان نفت بوده است. تغییرات پرسنی و کشمکش های وزارت نفت و رئیس جمهور همواره دلیل نپرداختن به این مساله بیان شده است.

افزایش ۱۰ درصد به دستمزدها که مصوبه دولت در نفت است، مورد اعتراض شدید کارکنان نفت بوده است.

در عوض آنها خواستار افزایش ترکیبی، یعنی افزایش به صورت درصد همراه با افزایش مبلغ معینی که اصطلاحاً افزایش درصد و عدد گفته میشود، مثلاً ۱۰ درصد اضافه حقوق و دادن مقداری ثابت که با هم افزایش دستمزد باشد. از نظر کارگران نفت این افزایش در این صورت میتواند پاسخی به حداقل نیازمندیهای زندگی باشد. این افزایش حقوق ها از نظر کارگران باید شامل "اضافات عمومی" و

خود و به قصد کنترل اوضاع اپوزیسیون "شورای انتقالی" متشکل از وزیر و وکیلها تا دیروز قذافی و جریانات قومی و اسلامی را علم کردند با دخالت نظامی پز ناجی به خود گرفتند. به جنگ داخلی دامن زدند. مردم حق طلب لیبی متأسفانه فاقد پرچم روشن و رهبری و صف مستقل خود در مبارزه علیه قذافی بودند و در نتیجه در طی این روند بخش زیادی از آنها به نیرو و سپاهی لشکر ناتو و جریانات قومی و مذهبی تبدیل شدند. مطلقاً این پیروزی آزادیخواهی بر ارتجاع نیست. پیروزی ناتو و دار و دسته های مرتجعی است که با پشتوانه غرب به سوی تقسیم قدرت و سهم خود از سیاست و اقتصاد جامعه لیبی می

صفر تا صد کنترل اوضاع اپوزیسیون "شورای انتقالی" متشکل از وزیر و وکیلها تا دیروز قذافی و جریانات قومی و اسلامی را علم کردند با دخالت نظامی پز ناجی به خود گرفتند. به جنگ داخلی دامن زدند. مردم حق طلب لیبی متأسفانه فاقد پرچم روشن و رهبری و صف مستقل خود در مبارزه علیه قذافی بودند و در نتیجه در طی این روند بخش زیادی از آنها به نیرو و سپاهی لشکر ناتو و جریانات قومی و مذهبی تبدیل شدند. مطلقاً این پیروزی آزادیخواهی بر ارتجاع نیست. پیروزی ناتو و دار و دسته های مرتجعی است که با پشتوانه غرب به سوی تقسیم قدرت و سهم خود از سیاست و اقتصاد جامعه لیبی می

<p>انقلاب ۵۷ ایران - یک بررسی تحلیلی</p> <p>سمینار کورش مدرسی</p> <p>صفحه ۲</p>	<p>شروع به کار مجدد</p> <p>تلویزیون پرتو</p> <p>صفحه ۲</p>	<p>به یاد غلام کشاورز</p> <p>و صدیق کمانگر</p> <p>صفحه ۳</p>	<p>صفحه ۲</p>
---	--	--	---------------

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

باید متحد شویم...

ایران در تحلیل و نقشه و برنامه های همه، از خامنه ای تا کل جنبش سبز و بریده های آن، تا جناحهای تازه شکل گرفته، ناسیونالیستها، لیبرالها، چپ سبز و... تنها به عنوان سرباز جنگ آنها در نظر گرفته شده است.

اما انتخابات جمهوری اسلامی به هر سرانجامی برسد، هر جناحی پیروز یا مغلوب شود، یک حقیقت عیان است و آن هم اینکه هیچ تحولی انقلابی بدون نقش آگاهانه و سازمانیافته طبقه کارگر ایران، به وقوع نخواهد پیوست. انتخابات و جدل ها و فضائی که حول آن باز شده است، جمع شدن و سخنرانیها و پارگیها، تا جایی که به کمونیستها برگردد، باید به عنوان فرجه ای برای متحد کردن و آگاه کردن صف خود، صف طبقه کارگر از آن استفاده کرد. اگر فضا ملتهب است، اگر جناحهای مختلف با هم در جدال اند، اگر فضای شهر و دانشگاه و مدرسه را آنها به انتخابات خود اختصاص داده اند، ما نیز از این فضا باید برای تقویت جنبش خود، آگاهتر کردن صف خود، متحد کردن صف طبقه کارگر استفاده کنیم. کمونیستها، سوسیالیستهای طبقه کارگر نیز در همین دوره انتخابات و جنگ و جدال در بالا، باید از همه امکانات و فرصت ها برای جمع شدن کارگران، متحد شدن آنها و آگاه کردن استفاده کنند.

بند استبداد و افزایش امید در میان میلیونها انسان منزجر از جمهوری اسلامی، یک امر واقعی است. همین واقعیت است که انتخابات را به چالشی در مقابل جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. از طرفی تلاش دارند ضمن پیشبرد اختلافات خود و جدال بر سر راه حلها هر جناح و گرم نگه داشتن صحنه انتخابات و تبدیل آن به امر مردم و کشاندن توده هرچه بیشتری از آنان پای صندوق رای، در عین حال مانع شکستن قدرت اقتدار کلیت جمهوری اسلامی در نزد مردمی شوند که آرزوی رفتن را دارند.

تحولات مهم در دنیای عرب، انقلاب مصر و تونس و تحركات وسیع در منطقه هم برای جمهوری اسلامی و هم برای کل نیروهای سیاسی ایران، پیامدهائی را داشته است، امیدها و نومیدهائی را ایجاد کرده است که از چشم هیچ کدام پوشیده نیست. تا جایی که به موقعیت جمهوری اسلامی برگردد، بر خلاف پروپاگاندای خامنه ای و ماشین تبلیغاتی بورژوازی ایران، سیر این تحولات هیچ پیام و آینده مثبتی را در مقابل جمهوری اسلامی قرار نداده است. و اتفاقا جمهوری اسلامی با آگاهی از این حقیقت، هوشیارانه تلاش میکند دامنه تاثیرات آن بر مردم ایران را بکاهد.

اپوزیسیون جمهوری اسلامی از راست و چپ، انتخابات را دوره حساسی از حیات سیاسی ایران اعلام میکنند. در این صف نیز هر کس در فکر پارگری برای جنبش خویش است. بخش عمده اپوزیسیون در اوایل امیدوار بودند که، در دل تحولات انقلابی مصر و تونس، فرجه ای در ایران ایجاد شود تا درخت انقلاب سبز بورژوازی لیبرال بار دیگر میوه دهد. و امروز در دل انتخابات و خصوصا با اوج گیری اختلافات در بالا به آن دل بسته اند امروز با رفتن قذافی و بالا رفتن پرچم پیروزی از جانب ناتو و... بار دیگر امیدواری این اپوزیسیون به دخالت ناتو در ایران و جنگ و بمباران امید بسته است تا در سایه آن درخت انقلاب مخملی و نارنجی آنها به ثمر بنشیند. چه بهتر از اینکه با چنین دخالتی میدان هر نوع تحول انقلابی هم سد خواهد شد و جناحهای بورژوازی، ناسیونالیستهای پرو غرب با چپ و راست، مزاحمت کارگر و مردم حق طلب را هم از دوش خود بر خواهند داشت.

اما همه این جبهه بلااستثنا، پوزیسیون و اپوزیسیون، تلاش میکنند فاکتوری را از صحنه سیاسی حذف کنند و آنها طبقه کارگر ایران است. طبقه کارگر

مبارزه موفق کارگران نفت...

سطح پایین دستمزد کارگران نفت در ایران که بخش مهمی از درآمد دولت و طبقه سرمایه دار را تامین میکنند آینه ی تمام نمایی از وضعیت طبقه کارگر در ایران است. کارگران نفت بنا به موقعیت و جایگاهی که در اقتصاد ایران دارند میتوانند با هر حرکت متشکل و سازمانیافته خود دولت را وادار کنند به خواستههایشان گردن بگذارند. ادامه وضعیت کنونی میتواند به دولت و وزارت نفت باز هم فرصت سرداندن به همه کارگران و کارمندان نفت بدهد،

شبهه آنچه در پتروشیمی ماهشهر در به دوران های گذشته است و عامدانه دامن زده میشود و از طرف مقامات آگاهانه اشاعه داده میشود، دستمزد ها در شرکت نفت و گاز و پتروشیمی و دیگر بخشهای مربوطه اصلا مناسب نیستند. این موضوع همیشه مورد اعتراض کارگران و کارمندان زن و مرد در این بخشها بوده است. کار در مناطق بسیار گرم و روبرو شدن با سختیها، انفجار و آتش سوزی های مکرر با امکانات پیش پا افتاده برای حفاظت از تندرستی در محیط کار، همیشه بخشی از شرایط کار کارگران نفت بوده است و با این وجود سطح دستمزد ها به نسبت هزینه زندگی بسیار ناچیز است.

نفت بوده اند و ۱۱۸۲ نفر یعنی ۱۰/۷۷ درصد آنها عادلانه دانسته اند. اوج این اعتراضات در روزهای ۲۰ تا ۳۰ مرداد بود که موضوع بلافاصله از طرف مقامات مسئول نفت و احمدی نژاد مورد بررسی قرار میگردد و روز ۲۵ مرداد با بخشی از خواست ها یعنی اضافات عمومی موافقت میشود و برای بخش دیگر یعنی اضافات شایستگی موافقت میشود که در چند ماه آینده پاسخ داده شود.

برخلاف نظر عمومی که بیشتر مربوط به دوران های گذشته است و عامدانه دامن زده میشود و از طرف مقامات آگاهانه اشاعه داده میشود، دستمزد ها در شرکت نفت و گاز و پتروشیمی و دیگر بخشهای مربوطه اصلا مناسب نیستند. این موضوع همیشه مورد اعتراض کارگران و کارمندان زن و مرد در این بخشها بوده است. کار در مناطق بسیار گرم و روبرو شدن با سختیها، انفجار و آتش سوزی های مکرر با امکانات پیش پا افتاده برای حفاظت از تندرستی در محیط کار، همیشه بخشی از شرایط کار کارگران نفت بوده است و با این وجود سطح دستمزد ها به نسبت هزینه زندگی بسیار ناچیز است.

شروع به کار مجدد تلویزیون پرتو

تاریخ شروع به کار ۹ سپتامبر

تلویزیون پرتو روزهای جمعه ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت تهران از کانال KBC روی ماهواره هات برد پخش میشود.

فرکانس پخش:

HOTBIRD
DL freq.: 11604 Ghz
FEC: 5/6
Pol.: H
SR: 27500
HB: 8
TP: 155

انقلاب ۵۷ ایران - یک بررسی تحلیلی

یکشنبه ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ ساعت ۱ بعد از ظهر

سمینار کورش مدرسی

برای اطلاعات بیشتر با نسرین جلالی مدیر انجمن مارکس -
حکمت تماس بگیرید marx.hekmat@gmail.com

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

پیروزی مردم، یا پیروزی...



خالد حاج محمدی

گرامی باد یاد عزیز غلام کشاورز
و صدیق کمانگر

پیشقراولان مبارزه کمونیستی طبقه کارگر ایران برای آزادی و برابری، برای سوسیالیسم بودند.

پرچمی که این رفقا در دفاع از آزادی و برابری انسان برداشتند، اکنون از جانب هزاران زن و مرد و جوان کمونیست، در دست نسلی از کمونیستهای طبقه کارگر در اهتزاز است. روزی که صف ما بتواند نیروی خود را، صف آگاه طبقه کارگر و انسان برابری طلب را به میدان آورد، روزی که شعار آزادی برابری حکومت کارگری از مراکز کار و خیابانهای تهران بلند شود، آن روز یاد این رفقا و هزاران کمونیست دیگر را با بگور سپردن جمهوری اسلامی و به اهتزاز در آوردن پرچم سوسیالیسم در میدانی شهرها جشن خواهیم گرفت.

گرامی باید یاد عزیز غلام کشاورز و
صدیق کمانگر

چهارم شهریور ۱۳۶۸ بهمن جوانی (غلام کشاورز) چهره برجسته و شناخته شده جنبش کمونیستی ایران، زمانی که برای دیدار بستگان خود به قبرس رفته بود، توسط جمهوری اسلامی ترور شد. بعد از ترور غلام کشاورز، در تاریخ ۱۳ شهریور همان سال صدیق کمانگر چهره برجسته جنبش کمونیستی ایران و از رهبران با نفوذ و محبوب کمونیست در کردستان، در یکی از اردوگاههای کومه له در کردستان عراق توسط عوامل جمهوری اسلامی ترور شد. غلام کشاورز و صدیق کمانگر از اعضا رهبری وقت حزب کمونیست ایران بودند. ترور این رفقا ضایعه بزرگی برای جنبش کمونیستی و طبقه کارگر ایران بود. طبقه کارگر با این اتفاق دو رهبر آگاه و مصمم خود را از دست داد. اکنون ۲۲ سال از آن تاریخ میگذرد و هنوز چهره محبوب و عزیز این رفقا، نقش و جایگاه مهم آنها، و یاد عزیزشان در خاطره همه ما، در خاطره همه کسانی که آنها را میشناختند زنده است. غلام کشاورز و صدیق کمانگر از

آمده لازمست جنبش کارگری و آزادیخواهی آنجا خود را بسازد و جامعه را پشت سر یک پرچم انقلابی روشن و با خواسته های واقعی مشخص برای تعیین تکلیف قدرت به میدان بیاورد.

این مسئله بار دیگر نشان داد که دول غربی و ناتو دوستان مردم نیستند. همین قذافی متحد خودشان قبل از تحولات لیبی بود. ماهیت اینها تضمین دوباره سودآوری سرمایه و استثمار دوباره طبقه کارگر لیبی و محرومیت جامعه از آزادی و آزادیخواهی است، کما اینکه عراق و افغانستان نمونه های گویای این حقیقت اند. بر بستر این اوضاع بار دیگر باید منافع ناتو و غرب و ضدیت شان با منافع مردم را افشا کرد.

برکنار میشوند چه آلترناتیو هایی جای آن را خواهند گرفت. باید کاملاً هوشیار بود و باندهای مترجعی که میدان دار میشوند دوباره خون مردم را در شیشه میکنند و باید صف مستقل کارگران در مقابلشان شکل گیرد.

یک نکته دیگر اینکه هر تحلیلی که از اوضاع لیبی داشته باشیم اما روشن است که قدرت مرکزی فرو ریخته است و بی ثباتی در کشور حکمفرما است. خلا قدرت برای منتهی وجود خواهد داشت. فضایی به وجود خواهد آمد که انواع جنبشها و تحركات را دامن خواهد زد. در حال حاضر جریانات ارتجاعی در لیبی دست بالا را دارند اما در هر جایی که دستمان برسد به کارگران و مردم آزادیخواه لیبی باید گفت که متشکل و متحد شوید و آگاهانه به سوی تحولات آینده گام بردارید. باید از این جریانات ارتجاعی جدا شد و در مقابلشان ایستاد. در بی ثباتی که بوجود

اراده کارگر و مردم انقلابی اتکا میکنیم و در مقابل چنین سیاستی سد خواهیم بست و خواهیم ایستاد.

رادیو پرتو: جمهوری اسلامی از حقوق مردم لیبی حمایت کرده و گفته که بدون دخالت نیروهای خارجی باید به خواسته های خودشان برسند. واکنش شما راجع به این چیست؟

رحمان حسین زاده: ادعای دفاع جمهوری اسلامی از حقوق مردم لیبی ریاکاری و دروغی بیش نیست. این پروپاگانداست. جمهوری اسلامی سابقه اش در ضدیت با مردم نه تنها در ایران بلکه در افغانستان و عراق و منطقه و

حمایت از نیروهای مرتجع منطقه روشن است. هم اکنون در سوریه در کنار بشار اسد علیه مردم سوریه است. جمهوری اسلامی در برخورد به تحولات لیبی با تناقضاتی روبرو بود. از یک طرف دخالت و حضور نیروهای ناتو و غرب باب طبعش نبود و از طرف دیگر دل خوشی هم از قذافی نداشت. جمهوری اسلامی اساساً روی حضور جریانات اسلامی همسوی خود سرمایه گزاری کرده بود که اتفاقاً تحولات شمال آفریقا و حتی خود لیبی هم نشان داد که این جریانات وزنه جدی در آن تحولات نبودند. این روزهای آخر از سر ناچاری چهره دفاع از مردم لیبی را به خودگرفته، گفتم بیشتر تبلیغات است که ظاهراً میخواهد در کنار مردم لیبی بایستد و باید این ریاکاری را افشا کرد. من فکر میکنم در کل این تحولات و از جمله لیبی خوشایند جمهوری اسلامی نیست. از یک طرف به خاطر موقعیتی که در منطقه و کشمکش که با دول غربی دارد و از طرف دیگر نگران موقعیت خودش و تشدید اعتراضات علیه خودش است.

رادیو پرتو: چه جنبه ای از تحولات امروز برای شما برجسته تر است و توجه شما را به خودش جلب کرده است؟

رحمان حسین زاده: برای کارگران و توده زحمتکش و ما در ایران باید روشن باشد، سناریو هایی شبیه لیبی نه تنها نباید الگو باشد، بلکه مضرات تحقق چنین سناریوهایی را باید نشان داد. اپوزیسیون راست و چپ بورژوازی ایران را که به الگوی لیبی امید می بندند، رسوا کرد. مردم آزادیخواه حق دارند که علیه مستبدین و دیکتاتورها باشند اما راهش تکیه به اتحاد و تشکل و آگاهی خودشان است. شکل دادن به جنبش آزادیخواهی و اتکا بر آلترناتیو کارگری و آزادیخواهانه مهم است و ما باید آن را تقویت کنیم. باید این مسئله روشن باشد که دیکتاتورهایی مثل قذافی

روند.
رادیو پرتو: الان صحبت بر سر این است که غرب روشهای تازه ای را کشف کرده که بدون لشکر کشی زمینی نظامی بر هزینه و با بمباران هوایی می تواند در سرنگونی حکومت های امروز دخالت کند و پروسه را به نفع تشکیل حکومت های هم پیمان خود تسریع کند. این بخشها به نظر می رسد که در میان اپوزیسیون ایران هم مورد توجه واقع شود. نظر شما چیست؟

رحمان حسین زاده: بعد از پنج ماه حملات هوایی و جنگ داخلی این یک پیروزی برای ناتو و غرب بحساب می آید. نیرویی در این میان جابجا شد و حکومت قذافی عملاً سرنگون شده است. اما این پیروزی هم برای ناتو و به ویژه مردم لیبی کم هزینه نبوده و به قیمت کشتار مردم لیبی به انجام رسیده است. به علاوه جنگ داخلی در لیبی معلوم نیست تا کی ادامه خواهد داشت. نفرتهای عمیق تری در آن جامعه نهادینه شده و پیامدهای دردناکتری را به همراه خواهد آورد. بنظر من کنار رفتن قذافی به هیچ وجه نشان از پایان ماجرا نیست. این تازه آغاز جنگ بر سر سهم بری از قدرت است. حتی شورای انتقالی که از جانب اینها علم شده، محل انواع تناقضات دار و دسته های مختلف است. هرچند سناریو احتمالاً در اوایل مانند افغانستان و عراق نشود اما کشمکش های قومی و مذهبی با ویژگی های دیگری در لیبی سر باز میکنند. به هر حال این سنوال جلو ناتو و غرب هست که روند اوضاع را به چه مسیری میاندازند.

جشن امروزشان موقت است. بکار گرفتن چنین الگویی برای سایر جوامع و از جمله ایران پوچ است. هر انسان آزادیخواهی که به تجربه لیبی نگاه کند میداند که این یک تجربه و یک واقعه سیاه بود. در مقابل باید تجربه مصر و تونس را الگو قرار داد. اراده مردم انقلابی مصر بعد از ۱۸ روز دیکتاتوری حسنی مبارک را با سر زمین زد. می خواهم بگویم که تفاوت هست بین سرنگونی توسط اراده انقلابی مردم با سرنگونی توسط نیروهای نظامی ناتو و غرب. امروز اوضاع جامعه مصر را با لیبی که مقایسه کنید زمین تا آسمان تفاوت هست. اپوزیسیون بورژوازی ایران سابقه چندان درخشانی ندارد. دفاع اینها از پروژة های حمله نظامی به ایران را باید افشا و ایزوله کرد. اینها ابایی از تحمیل سناریوی سیاه بر جامعه ایران ندارند. ما کمونیست ها و اپوزیسیون آزادیخواه به

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زیر پرچم ظفرمندان...

ارتجاعی در این شورا، خطر تسویه حسابهای خونین میان آنها، نگرانی از جنگ داخلی، کابوس باز شدن میدان برای جریانات قومی، عشیره ای و مذهبی و به تباهی کشیدن زندگی مردم را چندین برابر کرده است. امروز حتی میدیای نوکری چون بی بی سی و سی ان ان، از مسئله آینده تاریخ لیبی حرف میزنند. تبلیغات حول سقوط قذافی و اعلام پیروزی "انقلاب" مردم لیبی با چاشنی تصاویری از مردمی که رفتن قذافی را پیروزی خود میدانند، جای خود را به اعلام نگرانی از آینده تاریخ لیبی داده است. نمونه های عراق و افغانستان و تجربه های لویه جرگه و...، پوچ بودن ادعاهای توخالی غرب در همبستگی با مردم عراق و افغانستان را نشان داد. اگر کسی که به دخالت نظامی ناتو دل خوش کرده باشد را بتوان نادان یا شارلاتان خواند، اگر میدیایی را که "دمکراسی" زیر پرچم ناتو و به ضرب بمباران و کشتار مردم بیگناه را در بوق و کرنا میکند بتوان دستگاه تبلیغاتی ناتو و میدیای نوکر خواند، نیروی سیاسی که به دخالت نظامی ناتو دل خوش کرده باشد را فقط میتوان ارتجاعی، راست و ضد انقلابی نامید.

پیروزی ناتو در لیبی در میان صفوف اپوزیسیون بورژوازی ایران، اپوزیسیون مفلوک که مدتهاست چشم امید به دخالت امریکا و غرب بسته است، با موجی از شادی روبرو شد. اتحاد جمهوریخواهان، اکثریت، جبهه ملی، شورای هماهنگی راه سبز امید، همگی سقوط قذافی را بهانه ای کردند تا یکبار دیگر اعلام کنند این نوید به قدرت رسیدن شان با حمایت غرب و ممکن بودن تکرار این سناریو در ایران است. البته کمی غرولند و "اظهار نگرانی" از نقش دول غربی در لیبی، را هم چاشنی شادی و شغف شان میکنند.

در میان این صف اپوزیسیون بورژوازی اما، موضع و سیاست حزب کمونیست کارگری که مدتی است به جرگه "انقلابیون" سبز پیوسته است تکان دهنده و اعلام رسمی پایان یک دوره از زندگی این حزب است.

حزب کمونیست کارگری در کنار سران ناتو و دستگاه تبلیغاتی دولتهای غربی، در کنار میدیای نوکری که وظیفه ای جز تطهیر سیاستهای ارتجاعی دولتهای غربی ندارد، حمله نیروهای ناتو به لیبی را تائید و گامی در جهت تقویت "انقلاب" مردم لیبی خواند. البته چندی پیش مینا احدی یکی از اعضا رهبری این حزب به همراه جریاناتی دیگر از ناتو و دول غربی

خواستند که رفتاری مشابه لیبی را با ایران بکنند.

در اطلاعیه رسمی این حزب در رابطه با حمله ناتو به لیبی آمده است: "حمله نظامی نیروهای غربی از پیشرویهایی بیشتر ارتش قذافی و بخصوص قتل عام مردم بنغازی بوسیله نیروهای قذافی جلوگیری کرد. روشن است که دولتهای غرب از این حمله اهداف و منافع ویژه خود را دنبال میکنند اما باید توجه داشت که این دولتها تا قبل از آغاز انقلاب لیبی مشکلی با دولت قذافی نداشتند و مخالفت امروز آنان با قذافی امری است که انقلاب به این دولتها تحمیل کرده است. در واقع جنگ کنونی میان نیروهای غربی و دولت قذافی یک نتیجه جانبی پیشرویهایی انقلاب است؛ جبهه انقلاب باید از این شرایط برای پیشرویهایی بیشتر و بزرگتر قذافی و نظام سرکوبگر او استفاده کند. مردم و نیروهای انقلابی نباید اجازه دهند که حمله نظامی موانع دخالتگری آنان در صحنه سیاسی شود. همچنین باید هرگونه حمله به مراکز غیر نظامی و زیرساخت های اجتماعی و زندگی مندی و بطریق اولی به محل سکونت مردم و افراد غیر نظامی را قویا محکوم کرد و خواستار توقف فوری آن شد." (اطلاعیه حزب کمونیست

کارگری پیرامون حمله نظامی به لیبی- ۲۱ مارس ۲۰۱۱)

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری هم مانند بیانیه ناتو استبداد و توحش قذافی و نیروهایش در سرکوب مردم انقلابی را بهانه ای میکند تا حمله نظامی ناتو را مشروع اعلام کند. سارکوزی و کامرون دخالت نظامی ناتو را تحت عنوان آسایش و آزادی توجیه میکند و حزب کمونیست کارگری تحت عنوان "انقلاب" این اطلاعیه فقط اعلام موضع در مورد حمله ناتو به لیبی نیست بلکه سیاست این حزب در تحولات آتی ایران را هم نمایندگی میکند. از نظر این حزب در تحولات آتی ایران حمله نظامی دول غربی میتواند یک نتیجه جانبی پیشرویهایی "انقلاب" باشد؛ جبهه انقلاب باید از این شرایط برای پیشرویهایی بیشتر و بزرگتر او استفاده کند. حزب کمونیست کارگری با این اطلاعیه رسماً اعلام میکند حاضر است زیر سایه چکمه پوشان ناتو و با حمایت جنگنده های ناتو "انقلاب" خود را به پیروزی برساند. البته این حزب فراموش نمیکند که باید بمباران مناطق مسکونی مردم و افراد غیر نظامی را قویا محکوم کرد. رفع تکلیفی بیمایه تر از این ممکن نیست.

جریانات راست پرو غرب، احزاب ناسیونالیست و جریانات قومی باید

پیوستن حزب کمونیست کارگری به

حامیان ناتو را به این حزب تبریک بگویند.

حمید تقوائی لیدر این حزب در یک مصاحبه تلویزیونی در رابطه با نقش ناتو در سقوط قذافی میگوید: "ناتو البته با اهداف و سیاستهای خودش دخالت کرد.... اما در هر حال با هر نیتی که دخالت کرد از این نقطه نظر اجازه داد که انقلاب لیبی ادامه پیدا کند... در این مدت هم با بمباران هوایی، با کمکهای دیگری، ناتو علیه قذافی فعال بود. منتهی یک نکته مهم اینجا هست اینکه این نوع دخالتگری ها به هیچ وجه از نوع لشکر کشی به عراق یا افغانستان یا غیره نبود. نتیجه اش را هم داریم میبینیم... مردم مسلح درگیر این قضیه بودند، جوانان بخصوص، خیلی از نیروهایی که از بنغازی آمدند و در تمام طول جنگ مردم مسلح بودند و مسلحانه بالارتنش قذافی درحال مبارزه بودند. از این نظر دخالتگری مردم در تحولات و تغییراتی که در لیبی دارد پیش می آید بسیار برجسته است. بنابراین اینطور نیست که دخالت ناتو با اروپای واحد با اینکه هدفشان این بود نتوانستند به هیچ وجه به این هدف نرسند که نیروی تعیین کننده باشند و حرف آخر را اروپای واحد بزند یا امریکا بزند. فاکتور انقلاب و دخالت مردم برجسته است در لیبی" (حمید تقوائی در برنامه در نگاه روز- درباره لیبی)

حمید تقوائی به روش ژورنالیستهای راست به جای بمباران مردم بیگناه و کشتار آنان از "بمباران هوایی، با کمکهای دیگر ناتو علیه قذافی" صحبت میکند. خبرنگاران الجزیره از حمید تقوائی "صداقت" بیشتری در گزارش دادن از ابعاد و نتایج حملات ناتو در لیبی، دارند.

حتی راست ترین جریانات چنین وقیحانه از حمله نظامی ناتو حمایت نکرده است. حمید تقوائی تحت نام "انقلاب" بر کشتار مردم بیگناه لیبی، خفه کردن انقلاب شان و دستمایه قرار دادن مبارزه شان علیه قذافی برای

تسویه حسابهای ارتجاع امپریالیستی سرپوش میگذارد. حمید تقوائی در کنار سارکوزی، کامرون و اوپاما در اوج شارلاتانیسم، مردم لیبی را برنده حمله ناتو و سناریوی سپاهی که در انتظار مردم لیبی است اعلام میکند و وضع مخاطره آمیز حاضر را "پیروزی انقلاب" آنان قلمداد میکند. ظاهراً مسلح بودن مردم فاکتور مهمی در نشان دادن نقش مردم در این تحولات و قدرت آنان در بدست گرفتن آینده شان است. حتی روزنامه نگاران "با کلاس تر" و "با وجدان تر"، از این نوع تبلیغات دست راستی و پوپولیستی پرهیز

میکند. اگر حمایت این حزب از تحولات ارتجاعی فاشیستهای ترک و کرد، حمایت از هخا و بالاخره حمایت از جنبش ارتجاعی سبز نشان از پیوستن این حزب به جنبش ارتجاعی راست بود. اگر اعلام کهنه مسلمان شدن و پیوستن به کمپین های ارتجاعی غرب علیه جمهوری اسلامی تحت عنوان مبارزه با اسلام و مذهب و دفاع از حق زن، نماینگر چرخش این حزب به راست بود، حمایت رسمی از حمله نظامی ناتو، اعلام "تأثیرات مثبت" حمله نظامی ناتو به لیبی از طرف لیدر این حزب، بطور ترسناکی پتانسیل فرصت طلبانه آن در حمایت از نوعی از سناریو سیاه در ایران را نشان میدهد.

موضعگیری این حزب در قبال لیبی اعلام ضمی این سیاست است که این حزب آماده است تا به نام "انقلاب انسانی" و "صندیت با ولی فقیه" خواهان دخالت نظامی ناتو در ایران باشد. چرا خود نباید حاضر باشد که به هر قیمتی و تحت هر عنوانی در "لویه جرگه ایران" یا "شورای ملی انتقالی ایران" یا هر جبهه ارتجاعی که غرب و ناتو علیه جمهوری اسلامی درست کنند، اگر راهشان دهند، شرکت کنند. چه چیزی مانع از آن است که فردا نام بمباران مردم در تهران و شیراز و تبریز را مبارزه ناتو با رژیم ولی فقیه نگذارند و در فواید بمباران و تأثیرات مثبت آن بر سیر "انقلاب" سیاهشان درافشانی نکنند.

اما ایران لیبی نیست. طبقه کارگر ایران تجربه انقلاب ۵۷ را دارد. طبقه کارگر و مردم تشنه آزادی و برابری با درس گیری از تجربه خود و اعتراضات اخیر در مصر و تونس و لیبی با اتکا به نیروی خود و با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و منزوی کردن همه جریانات دست راستی همه سناریوهای ارتجاعی انقلابات مخملی، انقلاب نارنجی، حمله نظامی، تشکیل دولتهای در تبعید و لویه جرگه را نقش بر آب خواهند کرد.

نشریه حزب کمونیست کارگری

حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران

برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم